

نفوذ انگلیسی یا قدرت میرزای شیرازی؟

۱۴۳ سال مستی قدرت پادشاهان و درباریان قاجار و انبوه امتیازات و ولخرجیها از کیسه خزانه مردم، حرمسراهای کوچک و بزرگ شاهانه و به یغما دادن میلیونها کیلومتر خاک کشور به قدرتهای شمالی و غربی، گویای یک حقیقت است...



۱۴۳ سال مستی قدرت پادشاهان و درباریان قاجار و انبوه امتیازات و ولخرجیها از کیسه خزانه مردم، حرمسراهای کوچک و بزرگ شاهانه و به یغما دادن میلیونها کیلومتر خاک کشور به قدرتهای شمالی و غربی، گویای یک حقیقت است و آن نابلدی در کشورداری و تمرکز بر خوشگذرانی، چه با از دست دادن خاک مادری، چه با واگذار کردن امتیاز بهره برداری از چاههای نفت و گاز و چه با فروش امتیاز توتون و تنباکو به استعمار پیر.

به گزارش ایسنا، امروز ۲۵ اردیبهشت ماه صد و سی امین سالگرد نهضت تنباکو و صدور حکم تحریم تنباکو توسط میرزا سیدمحمدحسن حسینی شیرازی معروف به میرزا بزرگ شیرازی و لغو امتیاز واگذاری انحصار بازرگانی توتون و تنباکو به شرکت انگلیسی رژی و شرکاء به ریاست مازور جرال تالیوت است.

بر اساس این قرارداد انحصار کشت، تولید و فروش توتون و تنباکو در داخل و خارج از ایران به مدت نیم قرن به یک شرکت انگلیسی به نام رژی به مدیرعاملی تالیوت داده شد. طرف انگلیسی هم متعهد شد سالانه مبلغ ۱۵ هزار لیره انگلیسی و یک چهارم سود خالص کمپانی را به عنوان مالیات به دولت ایران پرداخت کند. همچنین شرکت رژی اجازه داشت برای اطلاع از میزان تولید توتون و تنباکوی ایران از زمین ها و محصول کشاورزان تفحص کند. این اجازه مأموران حکومتی را موظف به همکاری با شرکت مذکور می کرد.

میرزای مجدد کیست؟

سید محمدحسن چهارم اردیبهشت ۱۱۹۴ شمسی در دوره حکومت فتحلیشاه قاجار در محله درب شاهزاده شیراز به دنیا آمد. پدرش، میرزا محمود حسینی از خطاطان برجسته در نوشتن نستعلیق و از عالمان دین بود که در طفولیت محمدحسن، وفات یافت. بعد از مرگ پدر محمدحسن و اسدالله، برادرش به همراه مادر تحت سرپرستی میرزا سیدحسین موسوی معروف به مجدالاشراف، دایی شان قرار گرفتند.

محمدحسن از چهار سالگی به مکتب رفت و خواندن و نوشتن آموخت و از شش سالگی صرف و نحو عربی و خواندن قرآن را تکمیل کرد و در هشت سالگی تحصیلات مقدماتی را به پایان رساند و تحت تعلیم میرزا ابراهیم شیرازی از علمای به نام شیراز، آیات و روایات و وعظ و خطابه آموخت. او در این سن به خواست میرزا ابراهیم، استادش یک بار بعد از نماز ظهر و عصر در مسجد وکیل شیراز از منبر بالا رفت و قسمت هایی از کتاب اخلاقی ابواب الجنان را از حفظ برای مردم خواند.

محمدحسن فقه و اصول را نزد این استادش آموخت و در ۱۲ سالگی پای درس شیخ محمدتقی شیرازی معروف به میرزا کوچک، بزرگترین مدرس شرح لمعه در شیراز نشست و در ۱۵ سالگی کتاب شرح لمعه را در حوزه علمیه شیراز تدریس کرد. در ۱۷ سالگی به توصیه استادش برای ادامه درس به اصفهان رفت و در سال ۱۲۱۱ شمسی در مدرسه صدر این شهر ساکن شد و در درس خصوصی آیت الله محمدتقی رازی اصفهانی نویسنده کتاب هدایت المسترشدين، اصول فقه آموخت. ایشان در پایان همان سال درگذشت و سیدمحمدحسن، استاد دیگری به نام آیت الله سیدحسن بیدآبادی معروف به میر سیدحسن مدرس را به استادی برگزید. او اجازه اجتهادش را قبل از ۲۰ سالگی از آیت الله بیدآبادی دریافت کرد.

سیدمحمدحسن جوان تا ۲۹ سالگی در اصفهان ماند و علاوه بر آیت الله بیدآبادی پای درس آیت الله محمدابراهیم کلباسی مشهور به علامه حاجی کلباسی از مشاهیر فقهاء، مجتهدان و محققان علمای اصفهان نیز حضور یافت.

محمدحسن جوان طی سالهای اقامت در اصفهان اولین ازدواجش را با دختر عمویش انجام داد و از این ازدواج صاحب یک دختر و یک پسر به نام علی شد. همسر ایشان در سال ۱۲۶۵ شمسی درگذشت و برای بار دوم ازدواج کرد و از این ازدواج صاحب یک دختر و یک پسر به نام محمد شد.

میرزامحمدحسن در ۲۹ سالگی در سال ۱۲۲۱ شمسی به سامراء رفت و در درس عالمانی چون محمدحسن نجفی صاحب کتاب صاحب الجواهر، حسن کاشف الغطا پسر جعفر کاشف الغطا و شیخ مرتضی انصاری دزفولی معروف به شیخ انصاری ملقب به خاتم الفقهاء و المجتهدین حضور یافت. او از شاگردان خاص شیخ انصاری بود و رابطه خاصی با استادش داشت. شیخ مرتضی انصاری تصحیح کتاب فرائد الاصول خود را به میرزا سیدمحمدحسن سپرد.

پس از درگذشت شیخ انصاری در سال ۱۲۴۳ شمسی سیدمحمدحسن شیرازی در سن ۴۹ سالگی به مقام مرجعیت رسید. به گفته محمدحسن بن علی منزوی تهرانی معروف به آقابزرگ تهرانی صاحب کتاب طبقات اعلام الشیعه بعد از درگذشت شیخ انصاری، شاگردان برجسته او بر مرجعیت میرزامحمدحسن اتفاق نظر داشتند، به جز گروهی از علمای آذربایجان که مرجعیت سید حسین کوه کمره ای معروف به سیدحسین ترک دیگر شاگرد شیخ انصاری را برای منطقه و قوم خود مطرح کردند که البته با وفات او در سال ۱۲۶۱ شمسی، میرزای شیرازی مرجع واحد شیعیان شد. فقیهان و اصولیان جایگاه علمی میرزای شیرازی را با استادش سیدمرتضی انصاری مقایسه کرده و حتی برخی، ایشان را برتر از شیخ انصاری می دانستند.

با اقامت میرزای شیرازی در سامرا در سال ۱۲۵۳ شمسی و حضور شاگردان ایشان در این شهر حوزه علمیه سامرا و مکتب سامرا شکل گرفت. این حوزه ۲۰ سال فعال بود و با وفات ایشان در سال ۱۲۷۳ شمسی و هجرت طلاب و علمای این حوزه به حوزه علمیه کربلا و نجف از رونق افتاد.

سبک و شیوه میرزای شیرازی و شاگردان او در تدریس و نگارش فقه و اصول به مکتب سامرا شناخته می شود. سید رضی شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی مهم ترین هدف وی از اقامت در سامرا را تقریب شیعه و سنی می داند به این ترتیب پرهیز از تفرقه گرایی و تعامل با اهل سنت از ویژگی های مکتب سامرا استنباط می شود.

سیدحسن صدر، سیدمحسن امین، شرف الدین عاملی، محمدجواد عاملی، محمدجواد بلاغی، شیخ محسن شراره، آقابزرگ تهرانی، لامیه امینی و محمدرضا مظفر از بزرگان و پرورش یافتگان حوزه سامرا بودند.

میرزای شیرازی شاگردان بسیاری داشت. آقابزرگ تهرانی در کتاب هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی حدود ۵۰۰ نفر از شاگردان ایشان را نام برده است.

ماجرای نهضت تنباکو

تاریخ نویسان سابقه تقریبی مصرف توتون و تنباکو در ایران را به دوران حکومت صفویه به ویژه دوره شاه عباس صفوی مربوط دانسته اند. از آن زمان تاکنون تعداد و میزان مصرف کنندگان توتون و تنباکو بین طبقات مختلف جامعه به تدریج سیر صعودی پیدا کرد تا در عصر چهارمین پادشاه قاجار یعنی ناصرالدین شاه به اوجش رسید.

همین عامل موجب طمع میرزاعلی اصغر امین السلطان، صدراعظم ناصرالدین شاه و آنتوان کتابچی و برنامه ریزی برای رونق دادن به خزانه کشور با دریافت مالیات از تولید و مصرف توتون و تنباکو شد. او پیشنهادش را تحت عنوان اداره انحصاری توتون و تنباکو به ناصرالدین شاه تقدیم کرد، اما مورد قبول شاه قرار نگرفت. یک سال بعد، مقررات دیگری را تهیه و به تصویب ناصرالدین شاه رساند و شاه دستور اجرای آن را داد اما به علت مخالفت علما که این عمل را غیرشرعی و بدعت در دین می دانستند، اجرایی نشد.

تا اینکه ماجرای سفر سوم ناصرالدین شاه به بریتانیای کبیر در سال ۱۲۶۸ شمسی پیش آمد. انگلیسی ها برای گرفتن امتیازات بیشتر و عقب نیفتادن از رقیب روس خود اصرار داشتند این سفر حتما انجام شود. آنان از شاه و صدراعظم و سایر همراهان با اهدای با ارزش ترین نشان های رسمی پادشاهی بریتانیای کبیر به گرمی پذیرایی کردند.

در همین سفر درخواست اهداء انحصار کشت، فروش و خرید توتون و تنباکوی ایران را در کنار دهها پیشنهاد دیگر مطرح کردند. دولت پادشاهی انگلستان البته برای مصون ماندن از حواشی بعدی فردی به نام ماژور جرال تالبوت را به عنوان طرف معامله به ایران معرفی کرد. وی نیز با پرداخت رشوه به ناصرالدین شاه و امین السلطان موافقت آنان را جلب کرد و همین مسئله یکی از مهمترین حوادث دوران مرجعیت میرزای شیرازی را رقم زد.

پس از بازگشت ناصرالدین شاه به ایران تالبوت به اتفاق چند نفر دیگر و با کمک دولت بریتانیا شرکتی با نام رژی با سرمایه اولیه ۶۵۰ هزار لیره در لندن تشکیل داد و پس از ورود به تهران با کمک سفارت بریتانیا در ایران متن قرارداد را در ۱۵ فصل تهیه کرد و نزد امین السلطان، صدراعظم فرستاد وی نیز با ایجاد تغییراتی جزئی قرارداد را نزد ناصرالدین شاه فرستاد و پس از تعریف و تمجید فراوان و شرح مزایای قرارداد آن را در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۲۶۸ شمسی به امضای شاه رساند و از او تقدیرنامه هم دریافت کرد.

این قرارداد در ایران به قرارداد رژی و شرکت عامل آن نیز به کمپانی رژی معروف شد. (رژی به فرانسه به انحصار در معاملات بازرگانی گفته می شود).

وی پس از کسب امتیاز در صدد برآمد که شعب شرکت را در سایر شهرهای ایران فعال کند. در این راستا ابتدا باغی را در یکی از بهترین مکان های تهران در محدوده خیابان فردوسی فعلی خرید و ساختمان بزرگی را برای اداره مرکزی شرکت در وسط آن بنا کرد و دیوار محکم و بلندی در اطراف باغ کشید و آن را به شکل قلعه جنگی و نظامی درآورد.

شرکت پس از تأسیس اداره مرکزی در تهران تصمیم گرفت شعبه های آن را در سایر شهرهای ایران به ویژه شهرهایی که در آنها محصولات توتون و تنباکو بیشتر کشت و تولید می شد، راه اندازی کند به همین دلیل تصمیم گرفت نمایندگانی به تبریز، مشهد، شیراز و اصفهان اعزام کند تا آنجا مذاکرات برای تأسیس دیگر شعبه های شرکت را انجام دهد.

پس از احداث ساختمان مرکزی شرکت در تهران و آغاز فعالیت در ایران، چند هزار نفر از مردان و زنان انگلیسی به عنوان کارکنان شرکت وارد کشور شدند. آنان که تحت پوشش شرکت رژی وارد ایران شده بودند، شروع به فعالیت های فرهنگی کرده و فرهنگ غرب را در شهرهای مختلف ترویج کردند. نفوذ در بازار مسلمانان، استفاده از دختران برای افزایش فروش، تأسیس رقاخانه و قمارخانه، فروش و مصرف مشروبات الکلی و … از جمله موارد اشاعه فرهنگ غربی در ایران بود که زمینه های نهضت تحریم تنباکو را بیش از پیش آماده کرد.

به موجب این قرارداد که به امضای سیر هنری ولف وزیر مختار انگلستان هم رسید، دولت ایران در برابر دریافت سالانه ۱۵ هزار لیره و یک چهارم سود سالانه، امتیاز کلیه معاملات داخلی و خارجی توتون و تنباکو را به مدت ۵۰ سال به تالبوت و شرکایش واگذار کرد. تالبوت برای گرفتن این امتیاز علاوه بر شاه، مبالغ گزافی به صدر اعظم و نایب السلطنه و تنی چند از درباریان داد.

اعطای چنین امتیازی به خصوص در شرایطی که حدود یک پنجم جمعیت آن روزگار ایران از کشت و فروش توتون و تنباکو به صورت مستقیم و غیرمستقیم ارتزاق می کردند

خسارت های زیادی به مردم می زد. روستاییان، کشاورزان، بازرگانان و تاجران خرده پا و حتی کارگران روزمزد بر علیه شرکت رژی اعتراض کردند. به دلیل رابطه نزدیک و تنگاتنگ مردم و علماء، مردم به روحانیون متوسل شدند تا با رهبری آنها وارد مبارزه و قیام شوند.

مردم در چهار شهر ایران به پیشتازی چهار تن از شاگردان میرزای شیرازی دست به اعتراضات زدند. شیخ فضل الله نوری در تهران، آقاجفی اصفهانی در اصفهان، سیدعلی اکبر فال اسیری در شیراز و میرزا جواد مجتهد تبریزی در تبریز رهبران این قیامها بودند.

نخستین درگیری میان مردم و حکومت در شهر شیراز اتفاق افتاد. سیدعلی اکبر فال اسیری مجتهد متنقد و داماد میرزای شیرازی بالای منبر با سخنانی پر حرارت مردم را بر ضد رژی برانگیخت. ماموران حکومت ایشان را در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۲۶۹ دستگیر کرده و از راه بوشهر و بصره به عتبات عالیات تبعید کردند. ایشان در بصره سیدجمال الدین اسدآبادی را می بیند و سید از طریق او نامه معروفش به میرزا را به دست ایشان رساند.

یک روز پس از تبعید سیدفال اسیری، مردم شیراز بازارها را بستند و خواهان بازگشت وی شدند اما حکومت به خواسته آنان اعتنا نکرد. با ورود کارکنان انگلیسی شرکت به شیراز، مردم در حرم شاه چراغ و تلگرافخانه تجمع کردند و خواهان اخراج خارجیان شدند اما اجتماع آنان با تیراندازی سربازان و کشته شدن چند نفر متفرق شد.

نامه سیدجمال و فتوای میرزا

در بخشی از نامه سیدجمال الدین اسدآباد که به سیدعلی اکبر فال اسیری رساند، آمده است: حق را بگویم، من دوست داشتم این نامه را به همه دانشمندان تقدیم کنم، چون دانشمندان در هر نقطه ای طلوع نموده و هر نحوی که رشد کرده، در هر کجا که یافت بشوند، جانی هست که در پیکر دین محمد (ص) دمیده شده است. ... پیشوای دین، پرتو درخشان انوار ائمه، پایه تخت دیانت و زبان گویای شریعت، جناب حاج میرزا محمدحسن شیرازی تو وارث پیامبرانی همان ولایت عالم فقیه بر جامعه اگر ملت را به حال خود گذاشته افکارشان پریشان می شود چون توده نادان در معتقدات خود جز استقامت و ثبات قدمی که طبقه دانا در عقایدش نشان می دهد، دلیلی ندارد. اگر بخواهی می توانی با یک کلمه افراد پراکنده را جمع کنی و با متفق ساختن آنها دشمن خدا و دشمن مسلمانان را بترسانی و شر کفار را از سرشان برطرف نمایی.

سید نامه هایی نیز به سایر علمای داخل ایران می نویسد. بعد از وصول نامه سیدجمال، میرزای شیرازی بیش از یک سال پس از امضای قرارداد رژی تلگراف زد و از طریق کامران میرزا نایب السلطنه به ناصرالدین شاه ارسال کرد. میرزا در این تلگراف تاکید کرد کسانی که از کشور تبعید شده اند به کشور بازگردانده شوند در عین حال مخالفش را با قرارداد ابراز کرد.

با بی اعتنایی ناصرالدین شاه به تلگراف میرزا مدتی بعد حکم تحریم تنباکو از طرف آیت الله میرزا سیدمحمدحسن شیرازی به این شرح صادر می شود: «بسم الله الرحمن الرحیم، الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.»

سید روح الله خمینی بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در مراسم درگذشت آیت الله سیدمحمد طالقانی در مدرسه فیضیه قم در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۵۸ با به نیکی یاد کردن از جایگاه روحانیون در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران به فتوای میرزای شیرازی و تاثیر عمیق آن بر مردم آن روزگار اشاره کرد و گفت: «آخوند مرتجع است؟ آن نصف سطر میرزای شیرازی - رضوان الله علیه - مملکت ما را از تو حلقوم خارجها بیرون کشید «الیوم استعمال دخانیات حرام است، معارضه با امام زمان است.» این یک کلمه، یک ملت را وادار کرد که مخالفت کند. چرا این قدرت را می شکنید؟»

میرزای شیرازی ملقب به میرزای بزرگ، اول اسفند سال ۱۲۷۳ شمسی در سن ۷۹ سالگی در سامرا درگذشت و در یکی از حجره های صحن حرم امام علی (ع) در نجف به خاک سپرده شد. وفات ایشان در اسناد تاریخی مشکوک عنوان شده است. روحش شاد و یادش گرامی.

منابع:

صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۳۷

فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۹۷۴

مدنی بجستانی، میرزای شیرازی، ص ۳۸۵

حسینی، «نگاهی به مدرسه قو نجف»، ص ۴۲

شیرازی زنجانی، جرعه ای از دریا، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۱۱۱

بامداد، شرح حال رجال ایران، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۳۳۸

اصفهانی کربلایی، تاریخ دخانیه، ۱۳۷۷ش، صص ۱۰۴-۱۰۸ و ۱۷۲-۱۷۳

مدنی، میرزای شیرازی: احیای قدرت فتوا، ۱۳۷۱ش، صص ۲۷ و ۲۸

آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۱۴۰۴ق، ج۱، صص ۴۳۷ تا ۴۴۰

مطلبی، نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا سید محمدحسن شیرازی، صص ۶۶

دارابی، «حوزه علمیه تقریب گرای سامرا و نقش میرزای شیرازی»، صص ۴۱ و ۴۲

مطلبی، «نجوم امت: حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا سید محمدحسن شیرازی»، صص ۷۰

نگاه کنید به صحتی سردرودی، گزیده سیمای سامرا سینای سه موسی، ۱۳۸۸ش، صص ۱۴۸-۱۴۴

سه سال در دربار ایران، صص ۲۲۰؛ تیموری، تحریم تنباکو، صص ۲۸، ۱۷۷، حاشیه؛ عباس میرزا، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، صص ۱۱۴

رای متن قرارداد، تیموری، تحریم تنباکو، صص ۲۹-۳۲؛ معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجار، صص ۴۱۳-۴۱۶؛ محدث، چند امتیازنامه عصر قاجار، صص ۷۵-۷۸